۱۹

اجازه بدهید به عوض [illegible] در گذشت آنکه در زمان ما کمال شعر امروز بود، نامه‌ام را آغاز کنم. من هنوز

صفحه‌های سوزناک مرگ پدرش نوشتن را که تا آخرین روزهای زندگیش با آن بودم لحظاتی از یاد نبرده‌ام که این خبر را در [illegible]

دانستم. اما با چه حقیقت میتوان ادراک کرد؟ چند روز است از سفر [illegible] برگشته‌ام و نخستین نامه‌ای که از ایران به نامم

رسید خواندم و با [illegible] نامه [illegible] است. باید بگویم که لحن بسیار خوب و دلجوی آن سبکبارم کرد. فکر خودم در

نامه ~~[illegible]~~ [illegible] تندی گفتار خود شک و نوعی هم خواسته بودم، پس چرا دیگر ~~از آن اشاره کردم~~

~~[illegible]~~ ها بعدی [illegible] خوانی کرده بودم [illegible] فعلاً چاپ نشود (نه به سبب آنکه از نقل آن در ایران [illegible] داریم)

چاپ شده [illegible] این است که اگر کسی از دوستان داشته باشم بتواند [illegible] به نشست کردن. بیداد [illegible] آن بود

که روحم بسیار بد بود. آن نامه را نوشتم و شاید دق دل همه جانبه‌ام را از تو در آوردم و فکر کردم

از هر حیث [illegible] خود با آن [illegible]. باور کنید اشتیاق دارم از دیدار [illegible] و محبت و [illegible] [illegible]. ازین رنجیده

[illegible]

[illegible] پیدا شده و